

نشریه نثر پژوهی ادب فارسی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷

معرفی و بررسی سبکی «ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب» یک اثر تازه یافته
منثور به تقلید از گلستان سعدی
(علمی - پژوهشی)*

زهره احمدشاهی^۱، دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۲

چکیده

متون زیادی در زمینه مسائل اخلاقی به رشته تحریر در آمده است که هر کدام سعی در نجات ارزش های انسانی و فضائل اخلاقی داشته اند. از جمله این آثار، کتاب ارزشمند «ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب» تألیف سیدمحمدضیاءالدین حسینی مازندرانی اصفهانی معروف به حسینی مرعشی است که در قرن یازدهم هجری قمری به نثر آمیخته به نظم و به تقلید از گلستان سعدی به زیور تحریر در آمده است. ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب کتابی مفصل در بیان مسائل اخلاقی با استناد به آیات، روایات و حکم و داستان ها و اشعار نغز است که به نام شاه عباس اول صفوی تحریر و در یک عنوان و دو صحیفه هر کدام در چند باب تنظیم شده است. از نویسندگان، در هیچ تذکره‌ای نامی برده نشده است. این پژوهش بر آن است که برای نخستین بار، ضمن معرفی اثر و با دستیابی به ژرفنای آن و شناخت ارزش های زبانی، ادبی و فکری آن با تکیه بر سبک شناسی، زمینه ای برای شناخته شدن هر چه بیشتر این اثر ارزشمند تعلیمی فراهم سازد. از آنجا که این

* تاریخ ارسال مقاله : ۱۳۹۶/۸/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله : ۱۳۹۷/۲/۱۹

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: zahraahmadshamsy@gmail.com

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

کتاب تاکنون تصحیح و به زیور طبع آراسته نشده است، بررسی سبکی آن از حلقه های تکمیل کننده نوعی از سبک نثر فارسی در عهد صفوی است.

واژه های کلیدی: ضیاء القلوب فی اخلاق المطلوب، حسینی مرعشی، ویژگی های سبکی، اخلاق.

۱- مقدمه

انسان به صورت فطری شیفته اخلاق پسندیده است و صاحبان مکارم اخلاق را دوست دارد. برنامه تربیتی اسلام نیز شامل عالی ترین و جامع ترین برنامه های اخلاقی است که می توان با بهره گیری از آن، فرهیختگی ملتی را توانمندتر ساخت. نویسندگان و شاعران قرن های گذشته هر کدام به نوعی سعی در ارائه این مباحث در قالب نظم و نثر داشته اند. هر کدام از این آثار مملو از فرهنگ و اندیشه های پر مایه ای است که می تواند چراغ راه آیندگان باشد. این متون، تحت عنوان ادبیات تعلیمی، نوعی ادبی است که گاه ساختاری روایی و گاه غیر روایی دارد. شاخص ترین نوع روایی، گلستان سعدی است که حسینی مرعشی به پیروی از آن، کتاب خود را به رشته تحریر در آورده است.

این شیوه از نثر نویسی به تقلید از نثرهای فاخر دوره های پیشین به ویژه گلستان سعدی رواج یافته است. در عهد صفوی به دلیل اهمیت کمتر زبان فارسی نسبت به عربی، بیشتر آثاری که نوشته می شد، به زبان عربی است. «در این عهد زبان اصلی تعلیم و تألیف عربی بود و نگارش کتاب و رساله به فارسی در این راه بندرت و تنها از باب هدایت خلق انجام می گرفت» (صفا، ۱۳۷۰: ۲۸۵). سده های دهم و یازدهم هجری قمری برای شاعران و ادیبان فارسی گوی ایران، نسبت به دوره های قبل متفاوت بوده است. نثر این دوره نسبت به دوره های قبل تنزل پیدا می کند و از ارزش چندانی برخوردار نیست. «رواج ترکیبات عربی و عبارات خام، آوردن عبارات عربی مکرر و بی روح، استعمال افعال گوناگون با پیشوندهای متعدد و... سجع های متوالی، تکلفات بارد، مترادفات پیاپی، تکرار تعارفات و تملق های آوردن شعرهای سست در میان نثر... و از همه بدتر مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از

رونق انداخته است» (بهار، ۱۳۷۳: ۲۵۵). اما در این بین آثاری به وجود آمد که تقریباً از مختصات سبکی دوره خود کمی فاصله گرفت و فقط در مقدمه‌های کتاب‌ها، برخی از مختصات سبکی نثر صفوی دیده می‌شود. از جمله این آثار کتاب «ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب» حسینی مرعشی است که در اکثر مواقع به جز دیباچه، از نثری فصیح و بلیغ برخوردار است. مؤلف به تاسی از گلستان سعدی، برای بیان اندیشه‌های خود، از حکایت‌پردازی در طرح مضامین اخلاقی استفاده نموده است. همچنین با ترفندهای شایسته ادبی در کنار محتوای تعلیمی آن، به زیباترین نحوی توانسته است با مخاطب هم‌دل و همراه گردد و به شرح و بسط مضامین اخلاقی بپردازد.

۱-۱ - بیان مسئله

با همه تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر برای شناسی و احیای گنجینه‌های متون ادب فارسی انجام گرفته، هنوز دست‌نوشته‌های بسیاری در گوشه و کنار کتابخانه‌های داخل و خارج کشور وجود دارد که ناشناخته باقی مانده است. از جمله این گنجینه‌ها، رساله اخلاقی «ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب» حسینی مرعشی است که از جمله متون روایی و اخلاقی قرن یازدهم هجری قمری است و درون مایه اخلاقی و تهذیب و تزکیه نفس را با استناد به آیات، احادیث و اشعار بزرگان به تقلید از گلستان سعدی به رشته تحریر در آورده است. نسخه‌های خطی به دلیل احتوا بر اطلاعات تاریخی و ادبی، موارد ارزشمندی در عرصه زبان و ادبیات فارسی در اختیار پژوهشگران و دوست‌داران فرهنگ و اندیشه قرار می‌دهد. در این پژوهش سعی خواهیم کرد، علاوه بر معرفی نویسنده و اثر آن، از منظر سبک‌شناسی نیز کتاب مذکور را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. در این بررسی می‌توان به بازیابی ویژگی‌های نوشتاری قرن یازدهم هجری پرداخته و تفاوت‌های سبکی این اثر با سایر آثار این دوره را بیان نمود.

۲-۱ - پیشینه تحقیق

با بررسی‌های به عمل آمده درباره این اثر تا کنون هیچ ردپایی نه در حد کتاب و نه تحقیق و نه مقاله‌ای در این زمینه در ایران و خارج از کشور دیده نشده است. از این دست-نوشته، سه نسخه در کتابخانه‌های مختلف موجود است که تا به حال از سوی نسخه‌پژوهان،

هیچ اقدامی در جهت تصحیح یا چاپ آن انجام نگرفته است و این تصحیح برای نخستین بار انجام شده و مقاله حاضر نتیجه این پژوهش است.

۱-۳ - ضرورت و اهمیت تحقیق

این دست‌نوشته از گنجینه‌های ارزشمند ادب تعلیمی است که تا کنون با توجه به قدمت و تعدد نسخه‌هایی از آن در چند کتابخانه، تصحیح و یا چاپ نشده است. با احیای این اثر علاوه بر معرفی مختصر مؤلف و اثر آن، می‌توان به شناخت بیشتری از ویژگی‌های ادبی و محتوایی این کتاب که از آثار روایی و اخلاقی قرن یازدهم هجری است دست یافت. معرفی، تصحیح و تدوین این اثر در جهت نشر افکار و آراء نویسنده و معرفی اثری تعلیمی به جامعه علمی کشور ضروری به نظر می‌رسد و بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد این اثر جایگاه آن را در متون ادبی قرن دهم و یازدهم را فراهم می‌سازد.

۲ - بحث

۲-۱ - معرفی مؤلف

سید محمد ضیاء‌الدین حسینی مازندرانی اصفهانی، معروف به حسینی مرعشی، فقیه امامی، ادیب و طیب و نویسنده قرن یازدهم هجری قمری است که دوران حیات ایشان با حکومت شاه عباس اول صفوی مقارن بوده است. محل تولد و زندگی وی اصفهان بوده است، ولی اصل و نسب آن مازندرانی است. ضمن این پژوهش با استقصای تمام در کتب مختلف تراجم احوال و تذکره‌ها از جمله *الذریعة*، *کشف الظنون*، *روضات الجنات*، مولفین شیعه و... در باب زندگی مؤلف، اطلاعی به دست نیامد و در هیچ یک از این منابع، از این شخصیت برجسته ذکر نشده است؛ در حالی که آثار ایشان می‌تواند سرچشمه و گنجینه‌ای برای نسل‌های آینده باشد و درخت دانش و فرهنگ ایران را آبیاری نماید. تنها اطلاعاتی که از نام و زادگاه و دوران زندگی وی به دست آمده از دیباچه این اثر و دیگر آثارش است: «این ذره بی مقدار، احقر عباد الله جرماً واعظمهم جرماً الراجی الی عفو ربه الغنی محمد الشهیر بضياء الدين الحسيني المازندراني اصلاً منشاء و الاصفهاني مولداً و موطناً» (حسینی مرعشی، بی تا: ۳).

با توجه به آثار به دست آمده از ایشان می توان به دانش گسترده وی در حوزه های متنوع پی برد. در حوزه فقه و طب دارای آثاری قابل توجه است. از محتویات نسخه برمی آید که وی شیعه اثنی عشری و فقیه امامی بوده است و علاقه خود را نسبت به اهل بیت نشان می دهد. همچنین از مضامین عرفانی به کار رفته شده در این اثر می توان به تسلط و آشنایی وی به مسائل عرفانی و صوفیانه پی برد. وی راه سعادت و کمال انسان را در سه چیز می داند: اقرار به واجب الوجود، عمل کردن به فرموده های او و اخلاص در عمل (ر.ک. حسینی مرعشی، بی تا: ۱۹).

۲-۱-۱ - آثار مؤلف

از ایشان سه اثر گرانبها به دست آمده است که یکی از آن ها به زبان عربی نوشته شده است. آثار شناخته شده وی که تا کنون به زیور طبع آراسته نشده اند عبارتند از:

۱. **مجربات:** رساله ای طبی است که عناوین بیماری ها را بیان نموده و سپس به درمان آن پرداخته است. نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه مرعشی نجفی قم به شماره (۱/۱۲۹۳۵) موجود است.

۲. **تدارک المدا رک:** این اثر کتاب فقهی است که به زبان عربی نوشته شده و شرحی است بر **مدا رک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام** سید محمد موسوی آملی که نسخه ای از آن در کتابخانه مرعشی قم به شماره (۱۷۶۹۹) موجود است.

۳. **ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب:** این اثر کتابی است اخلاقی و مفصل به نثر آمیخته به نظم که در یک عنوان و دو صحیفه هر کدام در چند باب و یک خاتمه که در سال (۱۰۲۰) هجری قمری تألیف شده است که تاریخ کتابت دو نسخه به دست آمده از آن ، به فاصله بسیار کم از زمان تألیف آن است.

عنوان در فضیلت علم و هنر و صحیفه اول آن شامل صفات حمیده که آن ها را منجیات خوانند و در بیست و سه باب است. صحیفه دوم، صفات ذمیمه که آن ها را مهلکات خوانند که در هفده باب است و خاتمه، حکایت ها و روایت ها در چند گفتار است. روال مباحث این گونه است که در شروع هر باب، ابتدا تعریف کوتاهی درباره موضوع ارائه می دهد،

سپس آیات و احادیثی در آن باره بیان می‌کند و در ادامه با پرداختن به روایات دینی و حکایات مختلف به عنوان گواه و تاییدی بر گفتار خود، به شرح و بسط موضوع می‌پردازد. نویسنده، دیباچه اثر خود را با تحمیدیه آغاز می‌کند و پس از حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیامبر خاتم (ص) ضمن معرفی خود، سبب تألیف کتاب را بیان می‌کند. این رساله با جملات زیر آغاز می‌شود:

آغاز:

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال
به ثنای ملک الملک خدای متعال
و اینگونه به پایان می‌رسد:

انجام:

آن که این کلمات خجسته آیات بر حضرت همایون و سکنه ربع مسکون مبارک و میمون گردد.

نام این اثر در تذکره های زیر آمده است:

فهرستواره دست نوشته های ایران: دنا (۲۶۴/۷)، فهرستواره احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی مجلس (۳۳/۲)، فهرستگان نسخه های خطی ایران: فنخا (ج ۲۱)، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره (۲۲۲).

۲-۱-۲- نسخه های خطی ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب

در طی تحقیقات انجام شده ضمن این پژوهش تا کنون از این اثر سه نسخه شناسایی گردیده است که فاصله چندانی از زمان تألیف اثر همچنین کتابت نسخه ها از یک دیگر وجود ندارد و این یکی از ویژگی های این اثر است که باعث شده تغییرات چندانی در این سه نسخه مشاهده نگردد. در تصحیح این کتاب از دو نسخه استفاده شده است.

۲-۱-۲- نسخه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به خط نستعلیق به قطع ۱۳-۲۳ سم و در ۲۱۰ برگ و هر صفحه ۲۲ سطر بی کاتب به شماره ۱۱۴۱۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن ۹ شوال ۱۰۶۷ هجری قمری و عناوین و نشانه های شنگرف و جلد آن تیماج قهوه ای است. در فهرست نسخ خطی مجلس شورای اسلامی جلد ۳۳/۲ مشخصات آن بیان

شده است. از صفحات نخستین این نسخه تعداد زیادی مفقود شده است و صفحات آن درست شماره گذاری نشده است. هرچند در تصحیح اثر، این نسخه به عنوان نسخه اساس قرار نگرفته است اما به دلیل یکسان بودن محتوا و ساختار در بعضی موارد افتادگی مخصوصاً صفحه آغازین از این نسخه بهره برده شده است.

۲-۱-۲ - نسخه برلین

این نسخه به شماره ۲۸۰ در کتابخانه برلین در آلمان نگهداری می شود. اطلاعات مختصری از این دست نوشته در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آورده شده است. این دست نوشته نیز مانند دو نسخه دیگر، از یک عنوان و دو صحنه هر کدام ۱۷ و ۲۳ باب و یک خاتمه تشکیل شده است. در این نشریه از کاتب و تاریخ کتابت و سایر مشخصات این دست نوشته چیزی عنوان نشده است. با پیگیری های انجام شده در طی این تحقیق، دسترسی به این نسخه در حال حاضر امکان پذیر نمی باشد و این نسخه قابل اسکن نیست.

۲-۱-۳ - نسخه گنج بخش پاکستان

این نسخه به شماره ۱۶۹۷ در ۵۰۱ صفحه و در کاغذ نخودی به خط نستعلیق در کتابخانه گنج بخش پاکستان نگهداری می شود. تاریخ کتابت آن ۲ جمادی الثانی ۱۰۳۸ هجری قمری است و توسط شخصی به نام عبدالکریم کتابت شده است. به دلیل قدمت این نسخه و فاصله زمانی کوتاه نسبت به زمان تألیف آن، همچنین کامل بودن این دست نوشته به جز صفحه آغازین به عنوان نسخه اساس قرار گرفته است. در این نسخه به علت بی دقتی یا کم سوادی کاتب، غلط های املائی زیادی دیده می شود که با توجه به نسخه مجلس شورای اسلامی که کاملاً همانند آن است اصلاح گردید.

«آغاز:

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال به ثنای ملک الملک خدای متعال
انجام: آن که این کلمات خجسته آیات بر حضرت همایون و سکنه ربع مسکون مبارک و
میمون گردد» (حسینی مرعشی، بی تا: ۵۰۱).

۲-۲- نثر کتاب

این اثر از لحاظ محتوایی در زمره آثار تعلیمی و روایی قرار دارد. ادبیات تعلیمی، نوعی از ادبیات است که در آن گاهی گوینده و یا نویسنده به قصد تعلیم و آموزش به آفرینش اثری می‌پردازد و هنر را برای ترویج اخلاق، فکر، اندیشه و هدف خود به کار می‌گیرد. این رساله نیز که به نثر آمیخته به نظم و به تقلید از گلستان سعدی به زیور تحریر درآمده است، برای ترویج این مهم می‌باشد. چنان که از نام آن مشخص است، «اصیاء القلوب فی اخلاق المطلوب»، مولف، روشنایی و صفای قلب و دل انسان‌ها را در گرو اخلاق نیک و پسندیده می‌داند.

نثر کتاب، نمونه نثر اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم دوره صفوی است. از ویژگی‌های نثر این دوره، افزایش درصد واژه‌ها و ترکیبات عربی، استفاده از آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها، آوردن لغات مترادف، موسیقایی بودن کلام به سبب توجه فراوان به آرایه‌های ادبی به ویژه سجع، جناس، مراعات‌النظیر و تضاد می‌باشد. این اثر نثری بینابین دارد. نثری آهنگین و مسجع که جاذبه و تاثیر بیان را دوچندان می‌نماید و در عین سادگی گاهی به سمت و سوی نثر فنی متمایل می‌شود. از لحاظ محتوایی جزء نثرهای تعلیمی و روایی است. «نثر تعلیمی عبارت است از نثر راست، آموزنده و هدفدار که شامل معارف اسلامی و انسانی از قبیل فلسفه، اخلاق، تربیت و امثال آن است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

مؤلف در تألیف این کتاب از احادیث پیشوایان دین، چون پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و سخنان بزرگانی چون بزرگمهر، ارسطو و اقوال مختلف استفاده کرده است و از شعرهای فارسی و عربی پیش از خود نیز به مناسبت کلام بهره برده است و این نشان از حافظه قوی مؤلف در حفظ آیات و احادیث و اشعار پراکنده شعرا دارد.

از آنجایی که طبع انسان به جای شنیدن پندهای جدی به شنیدن حکایت و داستان تمایل بیشتری دارد، به همین دلیل بیشتر شاعران و نویسندگان از جمله سنایی و عطار و مولانا بخصوص سعدی، مطالب و اندیشه‌های خود را در قالب حکایت بیان کرده‌اند. از ویژگی‌های مهم این اثر نیز حکایت‌هایی است که برای تبیین مضامین اخلاقی آورده شده

است. این حکایات در اکثر مواقع، حکایاتی طولانی همراه با اشعار زیبا است که در پی شرح صفات حمیده و مذمومه در جای جای رساله می‌توان مشاهده نمود. مؤلف موضوعات اخلاقی را با آوردن داستان‌هایی زیبا، جامع‌تر و مبسوط‌تر شرح داده است. قصه‌هایی که محتوای آن در باب تعلیم و تربیت و موضوعات اخلاقی و فضایل انسانی است. به صورتی که داستان‌ها و حکایت‌هایی را در موضوعات مختلف گردآوری کرده است و توانسته با استفاده از آن‌ها یک رشته معارف اخلاقی و پند و اندرز را بیان کند و این امر بیانگر احاطه و مطالعه گسترده مؤلف و استفاده از منابع و کتاب‌های زیادی برای نگارش این اثر است.

۲-۳- ساختار سبکی اثر

آثار به دست آمده از قرن‌های دهم و یازدهم (ه.ق) از لحاظ سبکی مانند سایر دوره‌های تاریخی، ویژگی‌های مخصوص همان قرن را دارد. در عصر صفوی مخصوصاً دوره پادشاه کاردان و قدرتمند صفوی، شاه عباس اول، ایران در شرایط خاص و ویژه‌ای به سر می‌برد. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع و اتکا و رویکرد حکومت به نیروی مذهب و توجه مردم به این مقوله، مضامین تعلیمی و تاریخی در درجه اول اهمیت قرار گرفت و نویسندگان و شاعران این دوره به موضوعات تعلیمی و تاریخی، توجه بیشتری نشان دادند.

کم توجهی به لفظ و معناگرایی، از مشخصه‌های نثر این دوره است. در این دوره چند نوع نثر از جمله نثر ساده، منشیانه، فنی، بینابین، هندی و علمی رواج داشته است. بدیهی است که این اثر نیز از ویژگی‌های سبکی آن دوره تأثیر پذیرفته باشد، اما نویسنده سعی کرده است تا حدودی از این سبک فاصله بگیرد و چنانچه خود نیز در دیباچه کتاب اشاره کرده است، اثری عاری از عبارات و استعارات ثقیل و دیر یاب به وجود آورد.

«و رساله در فن اخلاق به نظر اصحاب و رفاق رسانیده ابواب قواعد آن را به تحت ضبط در آورد و ضوابط قوانین آن را کسوت تألیف و ترصیف پوشانیده در حیز ربط آورد و به نوعی که الفاظ و عباراتش با ذهن اکثر اهل زمان آشنا بود و تماثل و استعارات آن از

سمت اخلاق و تعقید مبرا و معرا و به اندیشه آن که ارباب زمان را مزید میلی به این سخنان هست شاید که بعضی از اصول حقایق و معارف درین اثنا باز توان نمود و نکته چند از خصوصیات این علم به سمع قابلیت طالبان این فن توان رسانید» (حسینی مرعشی، بی تا: ۳). در مقدمه این کتاب، ویژگی‌های سبکی دوره صفویه بیشتر دیده می‌شود، مخصوصاً در جایی که سخن از پادشاه یا بزرگان باشد از عبارت‌ها و الفاظ دیر فهم و پیچیده استفاده می‌کنند. ملک الشعراى بهار در سبک‌شناسی نثر به این مورد اشاره کرده است. «تصور نشود سراسر یک کتاب که ما آن را در ردیف نثر مصنوع و متکلف ذکر می‌نماییم چنان است بلکه در ضمن گزارش مطالب به ویژه جایی که سخن از پادشاه یا کارهای پادشاه یا سایر بزرگان باشد به عنوان احترام سخن را متکلفانه ایراد می‌کنند» (بهار، ۱۳۷۳: ۲۶۵). اما نثر بخش‌های داخلی کتاب که به شرح مضامین اخلاقی می‌پردازد به آرایه‌های لفظی توجهی نکرده است و اگر گاهی به سوی تکلف و استفاده از عبارات عربی سوق پیدا کرده است، دوباره به سوی ساده نویسی باز می‌گردد.

۲-۴- ویژگی‌های سبکی

ویژگی‌های سبکی که در این اثر دیده می‌شود و جزء بارزترین و مشخص‌ترین مؤلفه‌های سبکی آن محسوب می‌شود، عبارتند از:

- استناد مستقیم به آیات و احادیث به منظور تنفیذ مباحث اخلاقی که این تأثیر پذیری از آیات و احادیث را بیشتر در اوایل باب‌ها و بندرت در میانه‌های باب‌ها می‌توان دید و بیشترین احادیثی که مورد استفاده قرار گرفته است از پیامبر اکرم (ص) است.

- استعمال آیات: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (حسینی مرعشی، بی تا: ۱۶).

- کثرت استعمال احادیث: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَأَجْرِي يَنْبِيعِ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (همان: ۱۸).

یکی از امتیازات این کتاب وجود ابیات و مصاریع فراوان عربی و فارسی است که مؤلف به شیوه نویسندگان قرن های ششم و هفتم و هشتم نثر خود را بدان آراسته است. اغلب این اشعار شیوا و مناسب با مقام و حال سخن است و بیشتر از سه یا چهار بیت نیست. - اشعار عربی: این اشعار بیت‌های پراکنده‌ای از شعرای مختلف است که در اغلب موارد، نام شاعر برده نشده؛ ولی در معدود موارد، نام شاعر ذکر شده است.

«جاءت سلیمان یوم العرض نمله
ترنمت بفصیح القول واعتذرت
ینصف رجل جرادا کان فی فیها
إن الهدایا علی مقدار مهدیها»

(حسینی مرعشی، بی تا: ۳۰)

- اشعار فارسی: از شاعران فارسی زبانی که به شعر آنان در این کتاب استشهاد شده است، می توان به سعدی، انوری، نظامی و سنایی اشاره کرد:

نه محقق بود نه دانشمند
چهار پایی بر او کتابی چند

هر که را علم نیست گمراه است
مرد را علم ره دهد به نعیم
دست او زان سرای کوتاه است
مرد را جهل در کشد به جحیم

(حسینی مرعشی، بی تا: ۱۶)

- در آمیختن عبارات فارسی و عربی که نشانگر تأثیر تسلط نویسندگان بر این زبان است: «موعظه و نصایح را کما هو حقه به قلاید نظم و نثر کشیده» (همان: ۳).

- به کار بردن عبارات های عربی: «والله الموفق و المعین» (همان: ۳۰). «والله المستعان و علیه التکلان» (همان: ۶۹). «والله اعلم» (همان: ۴۵).

- فراوانی واژه‌های عربی که سبب شده در بیشتر جاها الفاظ عربی، جای واژه‌های فارسی را بگیرد که این موضوع به خاطر نفوذ واژه‌ها و ترکیبات عربی و پیوند یافتن آن‌ها به زبان فارسی است که در بین عالمان مذهبی متداول بوده است:

«کمیت خوش خرام قلم در میدان فصاحت به تحریر قسمین موعودین و ذکر ابواب مذکوره ...» (همان: ۱۶).

۲-۴-۱ - بررسی سطح زبانی

- در سطح زبانی به بررسی صرفی و نحوی و واژگانی اثر پرداخته شده است. در زیر به پاره‌ای از اختصاصات نثر قدیم و کهن کاربردها اشاره شده است:
۱. به کار بردن فعل «شدن» در معنی رفتن: «روزی همی شد اندر موکبی عظیم» (همان: ۱۹۷).
 ۲. به کار بردن فعل «نمودن» به جای کردن به عنوان همکرد فعل: «تحریک سلسه شوق نمود» (همان: ۸).
 ۳. به کار بردن «ی» شرطی یا استمراری با افعال: «بودندی» (حسینی مرعشی، بی تا: ۵۶). «می بودی تا نان خورش کردمی» (همان: ۷۴). «اگر دست داشت می لقمه حرام می گرفتمی» (حسینی مرعشی، بی تا: ۵۱).
 ۴. استعمال پیشاوند «باز» قبل از افعال: «باز ستانم» (همان: ۲۰). «باز توان نمود» (همان: ۳).
 ۵. آوردن افعال با پیشاوند «بر»: «برگرفت» (همان: ۲۰).
 ۶. آوردن «ب» زینت یا تاکید بر سر فعل: «بنشانند، بگفت، برفت» (همان: ۷).
 ۷. استفاده از ماضی استمراری فعل «بودن» با «می»: «در خدمت وی می بود» (همان: ۷).
 ۸. استعمال افعال با پیشوند «در»: «چون شب در آمد» (همان: ۸).
 ۹. آوردن صفت عددی «دوم و سوم» به صورت «دویم و سیم» (همان: ۱۳).
 ۱۰. استعمال «چه» برای بیان علت و سبب: «چه خط سبب وجود کتاب است» (همان: ۱۲).
 ۱۱. استفاده از حرف اضافه «به» برای بیان قصد و نیت: «به مهمی آمد» (همان: ۷).
 ۱۲. حذف فعل معین در افعال ماضی نقلی و بعید با قرینه و بدون قرینه: «به جهت فرزندگی که او را بوده و به مکتب رفته و معلم او را ...» (همان: ۵۹). «چنانکه هر دو رخسار نازکش سوراخ شده بود و دندان های مبارکش نمایان گشته» (همان: ۶۹).
 ۱۳. حذف فعل با قرینه: در این مورد بیشتر فعل دوم را به قرینه فعل اول حذف کرده است. «انتشار آن در میان خلائق نوعی از محالات است و انتفاع از آن نا ممکن» (همان: ۹۸).
 ۱۴. به کار بردن جمع‌های مکسر عربی: «اعاظم، خصائل» (همان: ۲۸). «فرايض، نصایح» (همان: ۲۹). «قیصره» (همان: ۵).

به کار بردن واژه «ضرور» به جای «ضروری» قابل ذکر است که از نظر لغوی واژه ضرور، صحیح است و ضروری فصیح نیست. «این عمر کوتاه را در چیزی صرف نماید که ضرورتر است» (همان: ۲۷۱).

تعايير گوناگون برای زن: مستوره (همان: ۳۲، ۴۴). منکوحه (همان: ۴۳، ۴۴). عورت (همان: ۲۵۷، ۲۲۲، ۸۰). ضعیفه (همان: ۲۶۲). همچنين است کاربرد: مطموره=نهانخانه (همان: ۲۳۶). توبره=کیسه (همان: ۲۵۲). کاسه پشت=لاک پشت (همان: ۲۶۰). لمحہ=زمان اندک (همان: ۸۰، ۸۲). هیمه=حيوان (همان: ۱۳). مغاک=گودال (همان: ۴۳). سهام، سهم=تیر (همان: ۷، ۶۴). بدسگالی=دشمنی (همان: ۱۵۱). آماس=ورم (همان: ۱۵۲). سیاست=تنبيه (همان: ۲۹). حیز ربط، حیز انجام، حیز تقریر، حیز وجود=انجام دادن (همان: ۲۲۸، ۱۶، ۱۵، ۷، ۵). ترکیباتی همچون: فلک جناب، دُر درج کامکاری (همان: ۲). شنتقار قدرت (همان: ۴). عساکر نصرت شعار (همان: ۴). افسر نثر، فرید کس نآفریده (همان: ۶). جاخانه عزت (همان: ۲۰). انامل اختیار (همان: ۵). برگ صبر، هلیله تواضع، هاون توبه، منجل مجاهده، دیگ طاعت (همان: ۲۷۰). شحنه عشق (همان: ۲۲۶). چهره مراد، آینه مقصود (همان: ۲۲۳).

۲-۴-۱-۲- سطح آوایی

در بررسی ویژگی های آوایی، زبان امروز اصل و اساس قرار داده شده و هر جا از سبک زبان امروزی خارج بود، آن ویژگی به عنوان مختصه آوایی ذکر شد و به اصل آن در زبان های باستان و یا عربی و دیگر زبان ها توجهی نشده است. ویژگی های پر کاربرد آوایی: قلب، افزایش، کاهش، تخفیف، ابدال است.

اهوای=هوای (همان: ۲). دویم، سیم، سیوم=دوم و سوم (همان: ۶۲، ۳۸، ۱۳، ۱۰، ۹). لطخی=لختی (همان: ۸). توریه=تورات (همان: ۱۰). اوستاد=استاد (همان: ۱۳). ابوذر جمهر=بزرگمهر (همان: ۳۸). راهگذاری=رهگذری (همان: ۵۱). بتر=بدتر (همان: ۱۵۰). خواتون=خاتون (همان: ۲۶۸). محمدمت=حمد (همان: ۱).

۲-۴-۲ - بررسی سطح ادبی

ساختار بلاغی در بردارنده تمام مؤلفه‌های بدیع و بیان است. در این اثر تعلیمی، بیشترین وجهه مؤلف بر بیان معنا و مضمون است و آراستن سخن به بدایع لفظی و آرایه‌های ادبی در درجه دوم اهمیت است. در کل جنبه معناگرایی بر جنبه ادبی رجحان دارد. مؤلف بنا به سبک دوره صفوی بر ادبیت کلام متمرکز نشده است و مخاطب در متن با گونه‌های بلاغی خاص رو به رو نمی‌شود. اما برای زیبایی و تاثیر کلام از تمامی آرایه‌های ادبی غفلت نکرده است. وی در انشای کتاب بیشتر از صنایع بدیعی همچون سجع و جناس و موازنه مدد گرفته و نثر خود را بدان آراسته است. از بارزترین ویژگی‌های ادبی که در این متن قابل مشاهده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تشبیه: این مورد اندک به کار رفته است و بیشتر تشبیهات، از نوع اضافه تشبیهی است و گاهی نیز به صورت تشبیه مضموم به کار رفته است.

* تشبیه مضموم: «چتر عظمت دثارش بر سر خود آسمانی است که خورشید در سایه اوست. تخت رفعت آثارش ایوانی است که طبقات سماوات سبعة سمات نردبان پایه اوست» (حسینی مرعشی، بی تا: ۵).

زمانه گرچه عروسیست ساز و لیک به چشم اهل بصیرت عجوز نایناست

(همان: ۱۹۵).

* تشبیه اضافی: «صحیفه دوار و صفحه روزگار» (همان: ۳). «اقلیم وجودش، سلطان عشق، ملک دل و دین» (همان: ۹۸).

۲. استعاره: علی‌رغم اینکه شیوه متن، بینابین و نزدیک به نثر فنی است ولی استعاره در آن بسیار کم به کار رفته است و استعاره‌های به کار رفته از نوع اضافه استعاری یا مکنیه است و چندان نوآوری در آن‌ها نیست و این بیانگر این است که نثر کتاب متکلافانه نیست: «آورده اند که در یکی از نواحی اصفهان مردی بود متمول و بخیل و ممسک و ذلیل که دست در به مایده او نرسیده بود و ذایقه ایام طعم عباى او نچشیده بلکه شامه روزگار بوی شوربای وی نچشیده» (همان: ۹۸).

۳. کنایه: کنایات این اثر عمدتاً روشن و واضح است و بندرت با گونه‌های رمز روبه رو هستیم. مکنی به، صفتی است که باید از آن متوجه صفتی، مکنی عنه دیگر شد.

کنج امان نیست در این خاکدان مغز وفا نیست در این استخوان
کهنه سرایی است به صد جا گرو کهنه و اندر گرو نو به نو

(حسینی مرعشی، بی تا: ۱۹۰)

«روایح کرامت از مهب اطلال وزیدن گرفت و برق دولت از بارقه سعادت درخشیدن آغاز کرد» «کمان فتنه به زه در آوردن» (همان: ۴).

۴. استفاده از مترادفات: یکی از دلایل اطناب متن استفاده مکرر از مترادفات است: «چنان که علم دین فرض و مستقیم است حکمت عملی و تهذیب و اخلاق نیز لازم است» (همان: ۱۵). «در توبه و انابت کسالت و امهال نورزید» (همان: ۴۸۷). «پیوسته از فواید الفاظ گهربار واعظان مستفیض و بهره مند گشتی» (همان: ۳۳).

۵. تضاد و طباق: «خوشا حال کسی که علم او و عمل او و دوستی او و دشمنی او و گرفتن او و رها کردن او و کلام او و حکمت او خالص از برای پروردگار باشد» (همان: ۱۸).

۶. تنسیق و الصفات: «خورشید عالم آرای خسرو گردون صولت جم اقتدار خاقان ثریا منزلت حور اشتهار مشتری سیرت عالی تبار خدیو کیوان رفعت بهرام انتصار موسوی نسب علوی ...» (همان: ۳).

۷. ارسال المثل: «عالم بی عمل به چه ماند به زنبور بی عسل» (همان: ۱۵). «هر آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام بیند» (همان: ۱۸۸).

۸. به کار بردن جناس: از جمله صنایعی که مولف به التزام انواع آن اهتمام داشته جناس است. از مهم‌ترین اقسام جناس که در این اثر دیده می‌شود، می‌توان به جناس ناقص، لفظ، خط و اشتقاق اشاره کرد:

انفتاح، افتتاح - جرما، جرما - فرمان، فرمای - زمین، زمان - سالکان، مسالک

۹. سجع پردازی: استعمال سجع پردازی در این اثر توسط مؤلف به وفور مشاهده می‌شود که یکی از ویژگی‌های سبکی این کتاب شمرده می‌شود. از انواع سجع به نوع متوازی،

رغبتی بیشتر نشان داده است: «صلوات و صلوات و تحیات نثار مرقد مطهر و مشهد منور شفیع روز محشر، صاحب کلمه بعثت الی الاسود و الاحمر» (همان: ۳). «در این وقت شریف و عهد منیف که رفیق توفیق مساعدت نمود» (همان: ۴).

۱۰. ترصیع و موازنه: «با وجود قلت بضاعت و کثرت عدم استطاعت مدت مدید و عهد بعید بود که می خواست بمتابعت بزرگان سلف و دانشمندان خلف از خرمن ایشان خوشه چند فراهم آورده در صحیفه ادوار و صفحه روزگار به یادگار گذارد» (حسینی مرعشی، بی تا: ۴). «افتتاح هر کمال به نام خجسته فرجام پادشاهی سزاوار است که سالکان مسالک قرب از ادای محمدمت و ثنایش عاجز و راجل اند و انفتاح ابواب حمد و ثنا شاهنشاهی را لایق است که باریافتگان سرادقات عظمت و کبریا از عهده شکر و آرایش بعجز و انکسار قایل» (همان: ۳).

۱۱. تضمین المزدوج یا اعنات القرینه: «در این وقت شریف و عهد منیف که رفیق توفیق مساعدت نمود و مساعدت و معاونت فرمود» (همان: ۴).

۱۲. مجاز: «جمیله که به حسن فتنه دوران بود و به لطف آرام جان جهان و نادره زمان بود» (همان: ۱۹۵).

۲-۴-۳ - ارزش های محتوایی (فکری)

- با بررسی های صورت گرفته ضمن تحلیل سبکی این اثر، این نتیجه به دست آمد که حسینی مرعشی با تألیف این اثر به سهم خود سعی در نجات ارزش های انسانی و فضائل اخلاقی داشته اند. وی طبق متون تعلیمی و اخلاقی پیش از خود چون *کیمیای سعادت* و مخصوصاً *گلستان سعدی* با استناد به آیات، روایات، حکایت ها، ضرب المثل ها و اشعار نغز، به تفسیر و تعبیر مسائل اخلاقی پرداخته است.

- نویسنده با اینکه فقیه و طیبی حاذق بوده در زمینه اخلاقی برای رشد و تعالی نفس هم راهی روشن برای مخاطب ترسیم کرده است. محتوای این کتاب بیانگر میزان شناخت و آگاهی نویسنده از روحیات و نقاط ضعف و قوت انسان است. وی با بیان رذائل و فضائل اخلاقی در قالب حکایت، تمثیل و شعر، همچنین بهره گیری از آیات قرآن و روایات ائمه

معصوم و اولیا، مهر تاییدی بر گفته‌های خود می‌نهد و در عین آراستن سخن، ارزش معنوی این اثر را دو چندان می‌نماید.

-انتخاب موضوع در ابتدای هر باب و بهره‌گیری از ابزاری، چون آیات و روایات و اشعار برای اعتبار دادن به مسئله مورد بحث و در انتها استفاده از حکایات آموزنده در فواصل زمانی مناسب و متنوع، چیرگی نویسنده را بر مسائلی همچون گذر زمان و فراموشی نشان می‌دهد. در کل خط مشی این اثر مانند کتاب‌های تعلیمی کهن، موعظه، حکمت، اخلاق، علم و عمل است.

- توجه به برخی رویدادهای تاریخی، از جمله اتفاقات عصر خود نویسنده که مقارن با پادشاهی شاه عباس اول صفوی است، حائز اهمیت است. مؤلف به تاریخ لشکرکشی، تاجگذاری و تصرفات این شاه، همچنین تاریخ تغییر پایتخت از تبریز به اصفهان نیز اشاره کرده است:

«خلد الله سلطنته و ملکه و عجری فی بحار الخلافه فلک به تاریخ شهر سنه که از زبر و بینات عباس پادشاه است موافق ماهیچه رایت ظفر آیتش از افق سریر عظمت برزد و آفتاب کردار تا اقصای مغرب پرتو انداخت و لوا عظمت انتمایش به تاریخ ۹۹۸ موافق عدد حفیظ نهضت نموده با قلیلی از عساکر نصرت شعار که در آن وقت زیر خلافت مصیر حاضر بودند از جانب خراسان در حرکت آمد و سایه عنایت بر مفارق عالمیان عموماً بر عجزه و مساکین اصفهان خصوصاً انداخت» (حسینی مرعشی، بی تا: ۵).

-ضیاءالدین محمد به مسائل عرفانی نیز توجه داشته است و همچون مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة درباره بعضی از مراحل سیر و سلوک عرفانی توضیح داده است. مواردی مانند توکل، رضا، فقر، غنا و ...

۳- نتیجه‌گیری

سید محمد ضیاءالدین حسینی مازندرانی یکی از نویسندگان قرن یازدهم هجری قمری است که کتاب آن اهمیت و نقش موثری در شناخت سبک دوره صفوی دارد. ویژگی‌های

زبانی این اثر، نزدیک به ویژگی های قرن دهم و یازدهم یا دوره صفوی است. حسینی مرعشی با تأثیر از زبان عربی و اشراف به علوم عقلی و نقلی و فقهی از عبارات و کلمات عربی استفاده زیادی کرده است. استشهاد به آیات و روایات و اشعار بزرگان ادب فارسی و عربی بر ارزش این اثر افزوده است. نثر کتاب، نثری بینابین است، یعنی نه چندان ساده و نه آنچنان متکلف و مصنوع که باعث دیریاب شدن آن شود. نثر کتاب، نثری سهل و ممتنع است. *ضیاءالقلوب فی اخلاق المطلوب*، اثری است تعلیمی و روایی که به تقلید از کتب تعلیمی کهن مخصوصاً *گلستان سعدی*، فضائل و رذائل اخلاقی را با نثری آهنگین بیان کرده است. بارزترین ویژگی ادبی این اثر، استفاده به موقع از روایات و تضمین ایاتی است که منطبق با موضوع مورد بحث است. این اثر نمونه موجز از تهذیب اخلاق و اصول اخلاقی و دینی است که در سه محور زبانی، ادبی و فکری نسبت به کتب مشابه کاستی نداشته است و گویای تسلط و احاطه نویسنده بر دانش ادبی، بلاغی و دستوری است. با توجه به این که در دوره صفوی تألیف شده است، حاوی شواهد زبانی فراوان است که به شناخت بیشتر نثر عصر صفوی کمک می کند.

فهرست منابع

الف) کتابها

۱. قرآن کریم.
۲. بهار. محمد تقی. (۱۳۷۳). *سبک شناسی*. تهران: امیرکبیر. جلد ۳.
۳. خطیبی. حسین. (۱۳۷۵). *فن نثر در ادب فارسی*. چاپ دوم. تهران: زوار.
۴. درایتی. مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)*. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۵. _____ (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. جلد ۲۱ و ۳۵.
۶. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه*. تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.

۷. رستگار فسایی. منصور. (۱۳۸۰). **انواع نثر فارسی**. تهران: سمت.
۸. سعدی شیرازی. افصح المتکلمین. (۱۳۶۷). **کلیات**. تصحیح محمد علی فروغی و مقدمه عباس اقبال. تهران: اقبال.
۹. شریعت. محمدجواد. (۱۳۸۴). **دستور زبان فارسی**. تهران: اساطیر.
۱۰. شمیسا. سیروس. (۱۳۸۳). **سبک شناسی نثر**. تهران: میترا.
۱۱. صفا. ذبیح الله. (۱۳۷۰). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: فردوس. جلد ۵.
۱۲. طیار مراغی. محمود. (۱۳۹۰). **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی**. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. جلد ۲/۳۲.
۱۳. کاشانی. عزالدین محمود. (۱۳۸۵). **مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه**. تصحیح عفت کرباسی، دکتر محمدرضا برزگر خالقی. تهران: زوار.
۱۴. مایل هروی. نجیب. (۱۳۶۹). **تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی**. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. منزوی. احمد. (۱۳۶۲). **فهرست نسخه‌های خطی**. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای.
۱۶. نسفی. عزیزالدین. (۱۳۶۲). **الانسان الکامل**. تصحیح ماژیران موله. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
۱۷. **نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (درباره نسخه‌های خطی)**. (۱۳۳۹). دفتر نخستین. تهران.
۱۸. نصیری. محمد رضا. (۱۳۸۰). **اثر آفرینان: زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا ۱۳۰۰ ه.ش**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.